روزشمار دفاع مقدس در مرداد ۵۹

سیاستمداران اهل مماشات صدام را جسورتر کردند

■ علیرضا محمدی

روزشمار دفاع مقدس را که مرور می‌کنیم، هر چه به شهریور ۵۹ نزدیک می‌شویم، موارد حمله و تجاوز ارتش بعث عراق به آسمان و خاک و آب‌های کشورمان بیشتر و بیشتر می‌شود. آن سال (۱۳۵۹) تابستان داغی داشتیم. آن زمان هم مماشات با دشمن و عدم اتکا به توانایی‌های داخلی و نگاه مرکزمحور به اداره کشور، باعث شده بود تا توجه به مرزها جای خود را به سیاسی‌بازی برخی جریان‌ها بدهد و جنگ آشکاری که صدام شروع کرده بود، در مرکز کشورمان توسط همین عده از سیاستمداران کتمان می‌شد و هر روز بعثی‌ها جری‌تر می‌شدند.

کل روزهای مرداد ۵۹، گزارش تجاوز جنگنده‌های دشمن به حریم هوایی کشورمان دیده می‌شد. خبرنگار روزنامه کیهان مستقر در آبادان و خرمشهر، به چشم می‌دید که جنگنده‌های دشمن چطور هر بار میدان تجاوز خود را افزایش می‌دهند و از سوسنگرد گرفته تا آبادان و خرمشهر و اروند و خسروآباد و... تقریباً هر روز به آسمان کشورمان ورود می‌کنند و آن پایین، روی خاک و آب هم تجاوز واحدهای زمینی و دریایی عراق، هر روز ابعاد جدیدتری به خود می‌گیرد. اگر تنها مردادماه را در نظر بگیریم، از همان اولین روز این ماه، واقعه‌ای در هورگان و طلائیه رخ داد و طی این دو واقعه، نیروهای بعثی به بخشی از کشورمان ورود کردند و با واحدهای نظامی ایرانی درگیر شدند. گشتی‌های عراقی به دنبال شناسایی موقعیت نظامی‌های ایرانی بودند و آن بالا، روی آسمان هم پشت سر هم جنگنده‌ها و هواپیماهای شناسایی بعثی به حریم هوایی تجاوز می‌کردند و به شناسایی خطوط دفاعی و نظامی کشورمان می‌پرداختند. تجاوز بعثی‌ها آن‌قدر ادامه پیدا کرد که تنها در مرداد ۵۹، گزارش ۱۳ مورد تجاوز هواپیماهای بعثی به آسمان کشورمان به ثبت رسیده است. یک نکته جالب در تحولات مرداد ۵۹، ارتباط‌هایی است که امریکایی‌ها با عراقی‌ها برقرار می‌کردند. همواره این‌طور عنوان می‌شود که حداقل دو سال پس از شروع جنگ تحمیلی و در پی شکست‌های بعثی‌ها از رزمندگان اسلام، امریکا سعی کرد با عراق بعثی به جهت کمک به او، ارتباط برقرار کند. اما آن طور که تاریخ به ثبت رسانده است، حتی قبل از شروع جنگ نیز، بعثی‌ها از برخی کمک‌های

> در همان روزهایی که سیاستمداران اهل مماشات سعی می‌کردند چشم بر خون دل خوردن‌های جریان انقلاب ببندند، صدام سفرهای خارجی‌اش را افزایش داده بود و مرتب بین کشورهای منطقه در رفت و آمد بود. چنانچه در همین ایام به ابراز تمایل کرد تا با امریکا مراودات دیپلماتیک برقرار کند. تجاوزهای محدود ارتش بعث عراق و عدم پاسخ مناسب از سوی کشورمان، این اطمینان را به بعثی‌ها داده بود که هر کاری انجام بدهند، ایران پاسخ قاطعی به آنها نخواهد داد

امریکایی‌ها بهره‌مند بودند. چنانچه روز سیزدهم مرداد ۵۹، امریکا با فروش موتورهای جت برای کاربرد در کشتی‌های جنگی عراقی موافقت کرد. کشتی‌هایی که هر از گاهی به بندرهای ایرانی حمله می‌کردند و زخمی می‌زدند. گزارش حمله نیروی دریایی عراق به اروندرود و منطقه پاسگاه دریایی خرمال و تجاوز به خاک ایران، تنها یک نمونه از تجاوزهایی است که نیروی دریایی عراق بعثی پیش از شروع جنگ تحمیلی انجام داده بود. آن روزها علاوه بر ارتش که در مقطع شروع جنگ منسجم‌ترین نیروی نظامی ایران به شمار می‌رفت، سپاه تازه‌تأسیس و جوان نیز بارها و بارها هشدار می‌داد که عراق قصد یک حمله سراسری و سنگین را دارد. علاوه بر تجاوزهای پی در پی یگان‌های زمینی و دریایی و هوایی دشمن، آن طرف مرزها اوضاع نابسامان به نظر می‌رسید. آماده‌باش یگان‌های عراقی از پیش اعلام شده بود و کم‌کم به ادوات زرهی و سنگین‌شان در طول مرزها افزوده می‌شد اما کسی به حرف رزمندگان ارتشی و پاسدارهای جوان گوش نمی‌داد و آن عده از مسئولان که گویی ایران را تنها در تهران می‌دیدند، هیچ عکس‌العملی به این هشدارها و دلسوزی‌ها نشان نمی‌دادند. این امر در حالی بود که در همان روزهای پرالتهاب مرداد ۵۹، از قول برژینسکی مشاور عالی رئیس‌جمهور وقت امریکا نقل شده بود که «هدف اصلی سرنگون ساختن رژیم وقت ایران است.» در همان روزهایی که سیاستمداران اهل مماشات سعی می‌کردند چشم بر خون دل خوردن‌های جریان انقلاب ببندند، صدام سفرهای خارجی‌اش را افزایش داده بود و مرتب بین کشورهای منطقه در رفت و آمد بود. چنانچه در همین ایام به عربستان رفت و ابراز تمایل کرد تا با امریکا مراودات دیپلماتیک برقرار کند. تجاوزهای محدود ارتش بعث عراق و عدم پاسخ قاطعی به آنها نخواهد داد. بنابراین تنها سه روز پس از شروع شهریور ۱۳۵۹، نیروی دریایی عراق با حمله به بندر خرمشهر ۴۳ فروند ناوچه گارد ساحلی ایران را که متعلق به شرکت اروندان بود، به غنیمت برد و باز هم هیچ‌یک از مسئولان سیاسی وقت نظیر بنی‌صدر که علاوه بر ریاست جمهوری، فرماندهی کل قوا و ریاست شورای عالی دفاع را بر عهده داشت، واکنش خاصی نشان ندادند تا صدام مطمئن شود که با ایرانی ضعیف روبه‌رو است و در صورت حمله به آن، چند روزه خوزستان را به اشغال خود درخواهد آورد. در پایان مروری بر روزشمار ماقبل جنگ در روزهای مرداد ۱۳۵۹ داریم: ۵۹/۵/۱۸: نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. ۵۹/۵/۲۱: نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر تجاوز کرد. همان روز ارتش عراق به پاسگاه‌های بندر جوق و برار عزیز در از مأموران دو پاسگاه انجامید. ۲۲ مرداد: نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. ۲۴ مرداد: نیروی هوایی عراق بازهم به آسمان آبادان تجاوز کرد. ۲۵ و ۲۶ مرداد: نیروی هوایی عراق دو بار به آسمان خرمشهر و یک‌بار به آسمان آبادان تجاوز کرد. ۲۸ مرداد: نیروی هوایی عراق به آسمان خرمشهر و شلمچه تجاوز کرد. روز ۳۱ مرداد هم باز نیروی هوایی عراق به آسمان آبادان تجاوز کرد. درست یک ماه بعد جنگ تحمیلی رسماً شروع شد.

خاطره

خاطره‌ای از حاج‌احمد متوسلیان به نقل از یک رزمنده

روزی که حاج‌احمد گریست

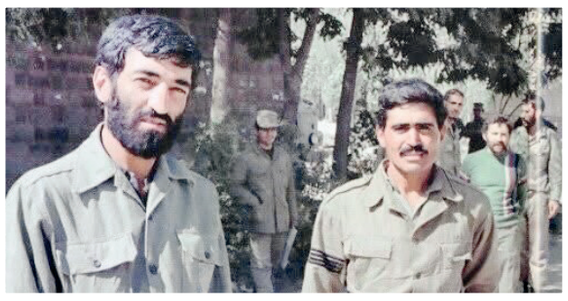

متن زیر خاطره کوتاهی از محمدصالح عبدی از رزمندگان دفاع مقدس در خصوص حاج‌احمد متوسلیان است.

منطقهٔ اورامان به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی و دارا بودن ارتفاعات مختلف، برای ما اهمّیت ویژه‌ای داشت. یک سلسله از کوه‌های منطقه که در خطوط مرزی بود، در اختیار عناصر رزگاری بود و همین امر موجب شده بود تا ارتباط آنها با حزب بعث به سهولت انجام پذیرد. در جلسه‌ای با حضور حاج‌احمد متوسلیان، شهید ابراهیم مرادی، شهید عثمان فرشته، شهید جلال بارنامه و شهید حسن مدنی‌فرد تصمیم گرفته شد طی عملیاتی آن ارتفاعات از لوث وجود عناصر رزگاری پاکسازی شود. طرح عملیات ریخته شد و خوشبختانه توانستیم عملیات را با موفقیت به انجام برسانیم و بر ارتفاعات مسلّط شدیم. روی یکی از ارتفاعات پایگاهی ایجاد کرده بودیم. به اتّفاق یکی از پیشمرگان با دوربین در حال کنترل تحرکات دشمن بودیم که متوجّه شدیم یک نفر مقداری بار را بر دوش گذاشته و یک گالن ۲۰ لیتری هم در دست دارد و به طرف پایگاه می‌آید. وقتی نزدیک‌تر شد، متوجّه شدیم جاویدالاثر حاج‌احمد متوسلیان است که مقداری خرما و نفت را از فاصله‌ای دور بر دوش گرفته بود، تا برای رزمندگان مستقر در پایگاه بیاورد. به استقبالش رفتیم و خواستیم بار را از دوشش پایین بیاوریم و خودمان حمل کنیم، اجازه نداد. علّت را از او سؤال کردیم، گفت من دارم وظیفه‌ام را انجام می‌دهم. وقتی وارد پایگاه شد، بعد از احوالپرسی و روبوسی با رزمندگان به شدّت گریست. ابتدا تصوّر کردیم مشکلی پیش آمده است. وقتی از او سؤال کردیم چرا گریه می‌کنی؟ گفت ما در مریوان داخل شهر هستیم و از امکانات بیشتری استفاده می‌کنیم ولی شما روی خاک می‌خوابید، آن هم در کوهی دورافتاده بدونِ هیچ نوع امکاناتی! خدمت واقعی را شما انجام می‌دهید. خدمت ما و شما هیچ‌وقت باهم قابل مقایسه نیست.

یادکرد

بسیجی ارمنی

متن زیر مروری کوتاه بر زندگی و حماسه‌آفرینی یکی از شهدای ارمنی دفاع مقدس به نام وازگن هوانسیان است که تقدیم حضورتان می‌شود.

وازگن متولد سال ۱۳۳۷ در فریدن استان اصفهان بود که از سال ۱۳۴۰ به همراه خانواده‌اش به تهران آمدند و در این شهر ساکن شدند. سال ۱۳۵۸ که به خدمت سربازی اعزام شد، هنوز جنگ تحمیلی شروع نشده بود. سال بعد (۱۳۵۹) جنگ شروع شد و وازگن به عنوان یک آرپی‌جی‌زن ماهر، با تانک‌های دشمن مقابله می‌کرد. او پیش از آنکه به جبهه برود، یک صنعتگر ماهر بود. به همین خاطر در جبهه اقدام به تعمیر و نگهداری ماشین‌آلات و ابزارها می‌کرد و فرماندهان روی توانایی‌های او حساب ویژه‌ای باز کرده بودند. سال ۱۳۶۰ خدمت سربازی وازگن تمام شد. با وجود این همچنان در جبهه ماند و به عنوان یک بسیجی، به خدمتش در جبهه ادامه داد. آن روزها بچه‌های اصفهان در دارخوین خط تشکیل داده بودند و بعدها همچنان مقرشان در دارخوین بود. وازگن هم به عنوان کسی که در استان اصفهان به دنیا آمده بود، بیشتر در خط دارخوین حضور داشت. بسیجی شدن او که یک ارمنی بود، باعث تعجب همرزمانش می‌شد اما وازگن که عشق خدمت به میهن و مردمش را داشت، همچنان به خدمت داوطلبانه‌اش در جبهه ادامه داد تا اینکه به روز ۲۲ فروردین ۱۳۶۲ رسید. ۲۰ فروردین ۱۳۶۲، عملیات والفجر یک انجام گرفت. عملیاتی خونین که تلفات بسیاری به دو طرف درگیری وارد کرد. آن طرف، تانک‌های دشمن که به جدیدترین سلاح‌ها مجهز شده بودند، سعی داشتند خطوط دفاعی رزمندگان را بشکنند و این طرف، رزمندگان با سلاح‌های سبک و آرپی‌جی، به مقابله با آنها می‌شتافتند. در این آوردگاه که مشهد وازگن به شمار می‌رفت، او دلیرانه جنگید. به گفته همرزمانش، او آن روز توانست چند تانک دشمن را منهدم کند. کار سختی بود. تانک‌ها غرش می‌کردند و مسلسل‌چی‌های‌شان یک نفس شلیک می‌کردند اما وازگن کسی نبود که از این چیزها بترسد و تا آنجا که توان داشت، با تانک‌ها جنگید و چند تا از آنها را منهدم کرد اما در گرماگرم درگیری، یک تانک به سمت او نشانه گرفت و وازگن را به شهادت رساند. پیکر وازگن به تهران منتقل شد و مردم حضور گسترده‌ای در تشییع پیکر این ارمنی بسیجی داشتند. پیکر او به نوربوستان (آرامگاه ارامنه) منتقل شد و همان جا به خاک سپرده شد. او آخرین فرزند از خانواده‌ای با شش فرزند بود که داوطلبانه در دفاع مقدس شرکت کرد و شربت شهادت نوشید. گفته می‌شود سندی در دست‌نوشته‌های این شهید گرانقدر وجود دارد که در آن عنوان کرده مسلمان شده و نام مهدی محمدی را برای خودش انتخاب کرده است.

نگاه

فرهنگ مقاومت در سیره آزادگان

می‌توان در بند دشمن بود و دشمن را به بند کشید

■ احمد محمدتبریزی

معمولاً در هر جنگ و نبردی، اسرای جنگی پس از تسلیم شدن و به اسارت درآمدن به خودباختگی و افسردگی می‌رسند. رسیدن به پوچی و تهی شدن زندگی از هدف و آرمان یکی از جنبه‌های زندگی اسرا در جنگ‌های مختلف بوده است. اسرا در جنگ‌هایی که تا به حال در تمام دنیا بوده، جزو شکننده‌ترین افراد بوده‌اند که خیلی زود به خودباختگی می‌رسیدند اما دفاع مقدس با آن فرهنگ غنی با تمام جنگ‌های دنیا تفاوت‌های ماهوی زیادی داشت و آزادگانش جزو مقاوم‌ترین و سرافرازترین نفرات جنگ بودند. مروری بر فرهنگ مقاومت آزادگان، ما را به نکات جالب زیادی از سبک زندگی آزادگان در اسارت می‌رساند.

آزادگان در طول دوران دفاع مقدس با تحمل شکنجه و سختی‌های فراوان به یکی از نمادهای مقاومت و ایستادگی در تاریخ ایران تبدیل شدند. آزادگان، اسارت در چنگال دشمن را ادامه‌دهنده همان مبارزه یعنی ظالم و متجاوز می‌دانستند و تا آخرین روزی که در اسارت دشمن بودند دست از مقاومت برنداشتند. مقاومت آزادگان، پر از بصیرت، شعور و آگاهی بود. برای فرماندهان بعثی که درکی از عقاید و آرمان‌های اسرای ایرانی نداشتند، رفتار آزادگان بسیار عجیب و جالب توجه بود. آنها در حیرت بودند که چطور یک فرد پس از گذراندن چندین سال متوالی در اسارت و زیر سخت‌ترین شکنجه‌ها هنوز با اراده‌ای قوی مشغول خودسازی است. در معادلات افسران بعثی مقاومت کردن زیر شکنجه و تحمل گرسنگی و تشنگی بدون اینکه ذره‌ای از عقایدت عقب‌نشینی جایی نداشت. برای آنها این میزان از تحمل و پافشاری انسان روی اصولش جای تعجب داشت و تا به حال نمونه‌اش را در جای دیگری ندیده بودند. آزادگان پس از اینکه برایشان مسجل شد که دیگر در دست دشمن به اسارت درآمده‌اند، خودشان را برای یک دوره طولانی اسارت آماده کردند. آنها نه عجز و لابه کردند، نه همچون افراد شکست‌خورده در لاک خود فرورفتند. هر کس هر هنر و دانشی که داشت را به وسط گود آورد و آزادگان یک جامعه کوچک هدفمند تشکیل دادند که هر روز افرادش در حال یادگیری و رشد بودند.

مهم‌ترین هدفی که آزادگان را به این سمت سوق داد، داشتن اهداف الهی و آرمان‌های بلند جهت رستگاری و سعادت بود. آنها به درستی دریافته بودند که الان دست سرنوشت برایشان اسارت را مقدر کرده پس جای ناامیدی و افسردگی، روزهایشان را هدفمند سپری کنند. آزادگان می‌دانستند راز قوی ماندن در این روزهای سخت نباختن روحیه، بااراده بودن و داشتن برنامه است.

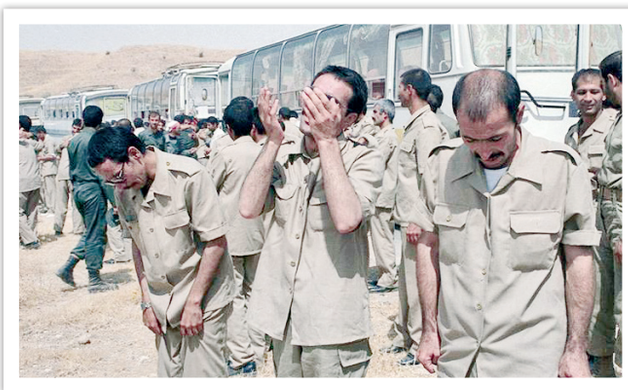

> آزادگان پس از اینکه برایشان مسجل شد که دیگر در دست دشمن به اسارت درآمده‌اند، خودشان را برای یک دوره طولانی اسارت آماده کردند. آنها نه عجز و لابه کردند، نه همچون افراد شکست‌خورده در لاک خود فرورفتند. هر کس هر هنر و دانشی که داشت را به وسط گود آورد و آزادگان یک جامعه کوچک هدفمند تشکیل دادند که هر روز افرادش در حال یادگیری و رشد بودند

پس خیلی زود دست به کار شدند و برنامه‌های مذهبی، آموزشی، ورزشی و سرگرمی را در برنامه‌هایشان جا دادند. آزادگان می‌دانستند در روزهای پس از آزادی و بازگشت به میهن، انقلاب نوپای اسلامی و ایران به وجودشان نیاز دارد. نوع مواجهه آزادگان با افسرانی که آنها را مورد شکنجه قرار می‌دادند به گونه‌ای بود که آنها را پس از مدتی از کارشان تسلیم و سرخورده می‌کرد. برخی از افسران بعد از گذشت مدتی که از بودنشان در کنار آزادگان می‌گذشت، اذعان می‌کردند که نمی‌دانیم شما اسیر مایید یا ما اسیر شما؟ در این میان وجود شخصیتی مثل مرحوم سیدعلی‌اکبر ابوترابی نیز بی‌تأثیر نبود. تمام هدف ایشان حفظ سلامت جان، روح و روان آزادگان بود و با رهبری‌اش در عملکرد آزادگان بسیار تأثیر گذاشت. مرحوم ابوترابی تجربیاتش از بودن در زندان‌های پهلوی را به اردوگاه‌های عراق برده بود. او صبر، متانت، تعقل و میانه‌روی را به آزادگان گوشزد می‌کرد و از آنها می‌خواست از برنامه‌های مذهبی و آموزشی‌شان غافل نشوند. بر اساس همین برنامه و سبک زندگی، آزادگان سرافراز و سربلند به میهن بازگشتند. هرچند آثار شکنجه و ضعف در چهره‌ها و ظاهرشان هویدا بود ولی به لحاظ روحی و کسب دانش و تخصص در بهترین شرایط ممکن قرار داشتند. آنها خیلی زود به شرایط عادی زندگی‌شان برگشتند و با توجه به تخصص و مهارت‌هایی که آموخته بودند بر سر کاری حاضر شدند. اسرای ایرانی الگویی تازه به تمام جهانیان نشان دادند. پس از آن بود که دنیا فهمید می‌توان در بند دشمن بود ولی باز دشمن را به بند کشید. مقاومت آزادگان در اسارت یکی از نقاط قوت تاریخ دفاع مقدس به شمار می‌رود. آنها به درستی درس آزادگی و مقاومت را به دشمنان و تمام دنیا نشان دادند. حالا هر جا صحبت از آزادگان به میان می‌آید، تاریخ با احترام در برابرشان تعظیم می‌کند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۰۴

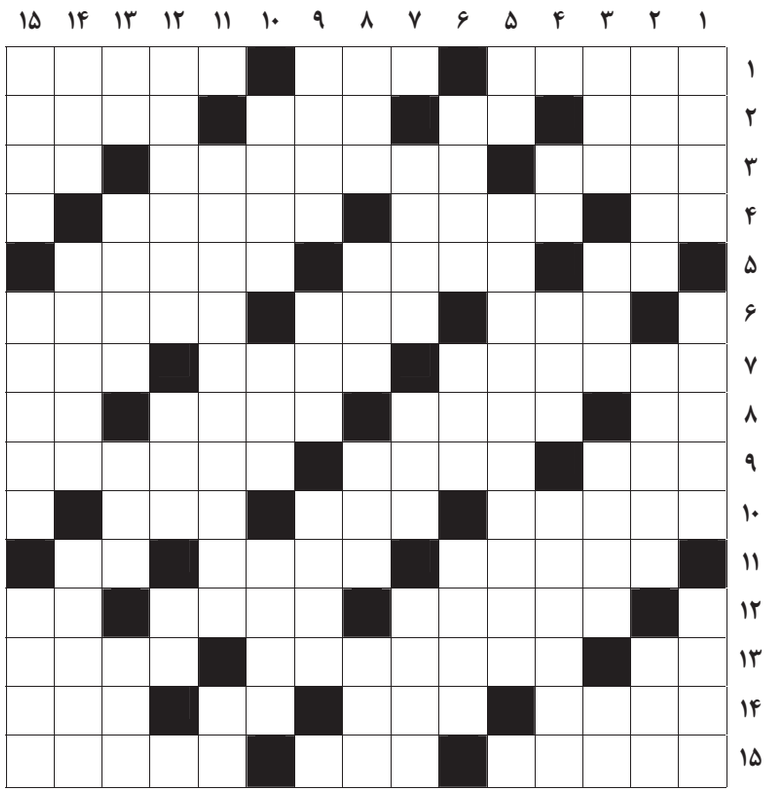

■ ۱- گواهی- یک پنجم مال- شعر و قصیده ■ ۲- پسوند صفت‌ساز- اندک- جایز و شایسته- دستگاه گیرنده و فرستنده امواج تلویزیونی ■ ۳- کارآزموده- در بیماری آب مروارید کدر می‌شود- ضربه سر در فوتبال ■ ۴- حرف انتخاب- مهاجم تیم ملی و بایرن مونیخ آلمان- از نعمت‌های پنهان خدادادی ■ ۵- لخت- خوشگل- بیچاره و دربه‌در ■ ۶- مراسم شادمانی- روز- چشمه ■ ۷- پزشک مخصوص فرعون- تیراندازی اهداف پروازی- فیلم امیر قویدل ■ ۸- رمق آخر- مسجد قدیمی در تبریز- مخلص و بی ریا- مایه حیات ■ ۹- رها و آزاد- آنزیم مبدل شیر به پنیر- لقب منصور خلیفه عباسی ■ ۱۰- تولدیافته- چرک لباس- درد و رنج ■ ۱۱- سفینه فضانورد اروپایی- کوبنده مطبخ- عضو صورت ■ ۱۲- اعتراف کردن- شهر دادگاه بین‌المللی- رفوزه ■ ۱۳- رود فرانسوی- پایتخت لیتوانی- سلاح خطرناک ■ ۱۴- ماندنی- بدگویی در شعر- علم پزشکی- پیکان ■ ۱۵- مساعده- جنگ- حرکتی در ژیمناستیک

■ ۱- کیمیا- چشمه‌ای در بهشت- سوغات زمستان ■ ۲- راه و روش- در این کنفرانس سران پیروز جنگ جهانی دوم اروپا را بین خود تقسیم کردند- کشتی جنگی ■ ۳- ارسباران قدیم- رودی در مازندران- فریاد شادمانی- بوی رطوبت ■ ۴- صدای کلفت- تکان شدید- از توابع تبریز که پنیرش معروف است ■ ۵- حمله نظامی- از ورزش‌های سنگین ■ ۶- بلند و رفیع- قوم آتیلا- شیون و زاری ■ ۷- شهرآورد- آنتن پهن- تکاور ■ ۸- الفبای تلگراف- ماه خارج- فرزندزاده- شهر شیشه‌گران آلمان ■ ۹- تیم فوتبالی قدرتمند در اسپانیا- از اعضای داخلی بدن- دایی ■ ۱۰- حالت مهره‌ای در شطرنج که اگر حرکت کند شاه کیش می‌شود- از اقوام ساکن در بین‌النهرین- میانجی ■ ۱۱- از رشته‌های ورزشی آبی- آش ■ ۱۲- خودروی حمل بار- نهنگ- علامت جمع ■ ۱۳- ضمیر اشاره- خاک آرامگاه ائمه- مورچه- شهری در استان یزد ■ ۱۴- به خشخاش گذارند- ورقه‌ها- راز فاش‌شده ■ ۱۵- استارت قدیمی- قسمت رنگی چشم- شب گذشته

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک‌بار به کار روند.

			۱			۲	۸	
	۷		۵				۹	
	۳	۸	۹				۷	
					۴			
۶						۷		
۸					۳	۱		۹
				۶				۴
۳		۲						
	۴	۹		۲		۵		

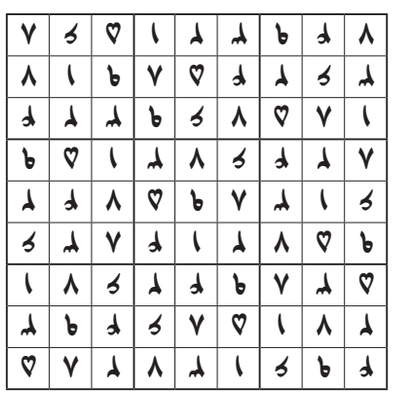

جدول کلمات متقاطع
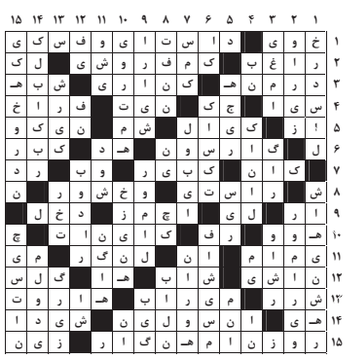
پاسخ جدول شماره ۶۰۰۳